

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه عصر، ۱۳ ماه مبارک رمضان

برای همدیگر دعا کنیم. در سوره مبارکه عصر، برای همدیگر و با هم دیگر موضوعیت دارد.

معرفی اجمالی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

سوره مبارکه عصر شاید در قرآن از این نظر بی نظر باشد که هدف تربیتی سوره همان است که سوره می‌گوید.

یک ساختار واضح و روشنی دارد.

قسم به عصر که انسان در خسران است مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای صالح انجام دادند و یکدیگر را به

حق و صبر توصیه کردند.

ساختار سوره هم منحصر به فرد است. ساختار آلا، یک شرایط حصر و اختصاصی ایجاد می‌کند.

یک قاعده کلی را مطرح می‌کند که انسان در حال خسران و ضرر دادن است مگر اینکه یک سری ویژگی‌ها را داشته باشد.

سوره یک شرایط مشخص و متقنی را بیان می‌کند. یک حقیقت را بیان می‌کند. اینکه یک قانون کلی بگویید و یک چیز را از آن استثنا کنید و دقیقا محدود آن را مشخص کنید، در قرآن جاهای مختلف هست ولی فقط در سوره عصر در کل سوره این ساختار بکار برده شده است. سوره حصر دارد.

به بیان‌های اینطوری می‌گویند گزاره‌های یقینی یعنی هم این طرف آنرا و هم آنطرفش را می‌دانی. اینکه انسان در خسران است

خسران ضرر اساسی و بنیادی هست که انسان اصل سرمایه‌اش از بین می‌رود. کلا چون انسان است این وضعیت را دارد.

عصر چیزهای مختلفی گفته شده با عصاره هم ریشه است. مفهوم آن این است که فشاری به چیزی وارد شود که باعث شود اصل و عصاره یک چیز خارج شود و تفاله اش باقی بماند. فشاری که باعث می‌شود یک نتیجه مطلوب بدست بیاید. اصل آن چیزی است که در نتیجه این فشار بدست می‌آید. به دوره و زمانه هم برای همین عصر گفته می‌شود، به زمان قبل از غروب هم عصر گفته می‌شود چون عصاره روز انگار دارد در می‌آید. در قرآن می‌گوید *یعصر یعنی آب میوه را گرفتن، میوه را فشار دادن.*

به عصر قسم خورده... همه در خسران هستند مگر کسانی که ویژگی‌هایی داشته باشند. انگار کسانی که این ویژگی‌ها را دارند، فشار را به درستی تحمل می‌کنند و آن عصاره لازم بدست می‌آید چون در طول زندگی انسان فرصت دارد عصاره‌ای از این دنیا را بدست آورد و بقیه‌اش از بین می‌رود.

حضرت آیت الله بهجت (ره) می‌گویند: *مَثَل انسان، مثل یک یخ فروش است که تا یخش آب نشده، فرصت دارد بفروشد و به پول تبدیل کند. اگر نفروشد دیگر سرمایه‌اش از بین رفته و روز بعد دیگر نمی‌تواند کارش را ادامه دارد. انسان فرصتی دارد که می‌تواند از آن بهره ببرد و باقی‌اش از بین می‌رود.*

انسان در صورتی می‌تواند از خسران ذاتی انسان نجات پیدا کند که ایمان داشته باشند.

ایمان یعنی یک باور محکم به حقایق داشته باشند و اعتماد و تکیه گاه شان به حقایق باشد .

انجام صالحات یعنی همه کارهای اصلاح گر، خوب و درست که مانع فساد می‌شود انجام دهند.

تواصی یعنی توصیه کردن و توصیه پذیرفتن. گاهی ممکن است انسان به دیگران توصیه‌هایی بکند ولی حاضر نباشد از دیگران توصیه‌هایی را بپذیرد. تواصی وضعیتی قرار می‌دهد که همدیگر را توصیه کنند. یعنی من یکی را وصی خودم قرار می‌دهم و آمادگی دارم کسی مرا توصیه نماید. می‌دانم یک کسی هم باید وصی من باشد و کار من را دنبال کند. به این می‌گویند تواصی یعنی همه یک رابطه هماهنگی دارند که انگار یک جریان و نظامی تولید می‌شود. انگار ساختاری شکل می‌گیرد که نقش‌های انسان‌ها بهم اتصال پیدا می‌کند. اگر جایی خالی شد، می‌توانند آن جای خالی را پر نمایند.

تواصی بحق یعنی یکدیگر را به قوانین ثابت و حقیقت توصیه می‌کنند. کاری کنند که در جامعه حق جاری شود. من حق را به شما توصیه کنم که این درست است و شما هم من را به حق توصیه کنید.

تواصی به صبر. توصیه به ادامه دادن بکنیم. چون دارد فشار می‌آید، آدم‌ها ممکن است خسته شوند و مقاومتشان تمام شود و مسیر را ادامه ندهند. همه باید همدیگر را به صبر و ادامه دادن توصیه کنیم.

تنها کسانی از خسران که ذاتی انسان است نجات پیدا می‌کنند که باور قابل اتکا به حقایق داشته باشند، هر کاری که براساس باورشان می‌دانند درست است را انجام می‌دهند و در کارهای درستی که انجام می‌دهند حتما یک رابطه تواصی با دیگران داشته باشند که این درست‌ها را به همدیگر هم توصیه نمایند و به همدیگر کمک کنند و توصیه کنند یکدیگر را تا این مسیر ادامه پیدا کند.

اینها از خسران نجات پیدا می‌کنند و گرنه به عصر سوگند، به نتیجه ای که از فشار بدست می‌آید سوگند که انسانها همین طور که به طور عادی زندگی می‌کنند، دارند از اصل سرمایه شان ضرر می‌کنند.

## ارائه سوره به بچه‌های دبستانی

سوره عصر، سوره ایست که ساختار حصر دارد، یک ساختار استثنا دارد. براین اساس باید ببینیم چگونه سوره را بیان کنیم برای بچه‌های دبستانی. سوره یقین در قرآن است. گزاره‌ای به ما می‌دهد که محکم است و به ما نشان می‌دهد که انسان‌ها در حال خسران هستند مگر ...

برای بچه‌های دبستانی مفهوم مگر، بجز، آلا در حقایق زندگی را مطرح می‌کنیم. سوره عصر، سوره ایست برای درک حقایق زندگی. یعنی انسان حقیقت زندگی خود و هم نوعانش را بشناسد.

از اینجا شروع می‌کنیم که بچه‌ها گزاره‌های یقین را در موضوع حیات درک کنند. مثلاً بفهمند که زندگی موجودات در شرایط خاصی ممکن است مثلاً ماهی زنده نیست مگر اینکه در آب باشد، گیاه زنده نیست مگر اینکه نور و آب به آن برسد.

سپس این آلا که نسبت به کل حیات وجود دارد، در اجزای حیات هم هست مثلاً انسان یک کاری را نمی‌تواند بکند مگر اینکه این توانایی‌ها را داشته باشد. انسان چیزی را نمی‌فهمد مگر اینکه این علم را داشته باشد. در واقع گزاره‌های یقینی در زندگی انسان را مطرح می‌کنیم.

بعد کم کم باید بدانند که داشتن و نداشتن‌های انسان که روی حیاتشان تاثیر می‌گذارد، یک احکام و باید و نبایدی دارد. باید و نباید داشته‌هایشان را بفهمند و بدانند که باید براساس باید نبایدها عمل بکنند و داشتندشان را نشان دهند. سپس وارد احکام شرعی می‌شویم تا حق را در قالب باید نبایدهای شرعی بفهمند.

بعد بحث حق و صبر را مطرح می‌کنیم. بدانند برای اینکه بخواهند به قوانین ثابت عمل کنند، باید یک استقامتی بنام صبر وجود داشته باشد.

تا برسند به توأسی به حق و صبر. سعی کنند در اجتماع کوچکی که زندگی می‌کنند شرایطی را فراهم کنند که قوانین ثابت شناخته شود و صبر وجود داشته باشد. با هم مهربانی کنند برای اینکه مسیر درستی که می‌خواهند بروند، ادامه پیدا کند.

این سیر آموزش سوره عصر است. حقایق زندگی را درک نکنند از اینکه حیات نیست مگر اینکه شرایطی وجود داشته باشد و این شرایط را تفصیل بدهند، احکام شرعی این شرایط را بدانند، تحقق و صبر برای تحقق حقیقت و توصیه به حقیقت و صبر.

## تدبر در سوره

### وَالْعَصْرِ (۱)

سوره با قسم شروع می‌شود.

عصر از ریشه عصر فشاری هست که نتیجه خاصی را بدست می‌دهد شبیه گرفتن عصاره یک چیز مثلا پرتقال را فشار می‌دهیم عصاره‌اش در بیاید.

معانی مختلف داریم. عصر بعثت پیامبر، بعثت پیامبر انگار عصاره هم انبیا است، انگار یک فشاری به عالم آمده، قرآن می‌گوید هر پیامبری که می‌آید بعثت و ضراء و مشکلات به همه می‌آید و به واسطه این خدا می‌خواهد انسان‌ها را به تضرع بیندازد تا به خدا نزدیکتر شوند، فشارهای مختلفی آمده تا رسیده به زمان بعثت پیامبر در واقع عصاره این فشارها است. عصر ظهور امام زمان (عج) هم به همین ترتیب یک شبانه روز از مغرب است تا عصر. مغرب زمان آماده سازی برای شروع کارهاست، عشا باید برای فردا برنامه ریزی کند، در صبح تلاشها آغاز میشود، در ظهر کارها به اوج می‌رسد و در عصر، نتیجه کارها دیده می‌شود و زمان عصاره گیری است. در همه این مفاهیم فشاری که ایجاد می‌شود، وجود دارد. خداوند به عصر سوگند می‌خورد، به فشار خاصی که نتیجه ای را می‌دهد. اشکال ندارد کسی بگوید که به زمان قسم خورده شده. ما با زمان خیلی درگیر هستیم، زمان مال این دنیا هست. وقتی ما از دنیا برویم، دیگر زمان وجود ندارد. در این دنیا زمان خیلی مهم است. تا فرصت داریم باید عصاره‌ای از زندگیمان بگیریم وگرنه آن چیز که باقی می‌ماند، یک تفاله‌ای بیشتر نیست. مثلا فرض کنید همه داشته‌ها دنیایی‌اش،

امکانات، مقامات و... همه را می‌گذارد و می‌رود و اعمال صالح و باورهای حقی که با خودش به عنوان عصاره زندگی می‌رود. در این عصر فرصت دارد این عصاره را بگیرد و با خود ببرد.

## إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

این آیه پر از تاکید است:

- جمله، یک جمله اسمیه است و فعل ندارد یعنی زمان ندارد و یک قانون کلی را بیان می‌کند. این خودش تاکید است.

- جمله با إِنَّ شروع شده که از ادات تاکید است. انسان ال دارد یعنی نوع انسان، انسان چون انسان است.

- اول خسران "ال" دارد که برخی می‌گویند این "ال" خودش یک قسم است و تاکید زیادی دارد.

- خسر هم متعددی مطرح شده، "لفی خسر" یعنی یک ضرر و زیان آن چنانی.

تاکید خیلی زیاد روی این است که انسان حواسش باشد که انسان در زیان است. خسران، از دست دادن اصل سرمایه است. یک موقع کاسبی می‌رود تلاشی می‌کند که سرمایه ای که وارد کرده یک سودی می‌کند. بعدا کمتر از سودی که فکرش را می‌کند، به دست می‌آورد می‌گوید من ضرر کردم چون کمتر سود کردم ولی خسر اینطوری است که نه تنها سود به دست نمی‌آورد، بلکه مقداری از سرمایه اولیه اش را هم از دست می‌دهد. یعنی ضرر کردن در اصل سرمایه. ضرری است که داشته‌های اولیه اش را هم از دست می‌دهد. مثل یخ فروشی که اصل سرمایه اش قالب یخ است که باید آن را بفروشد و آن را تبدیل به پول کند و با بخشی از آن برای فردا یخ بخرد. اگر نتواند تا قبل از آب شدن یخ، آن را بفروشد، همه سرمایه خود را از دست داده است.

خیلی این آیات بیان تکان دهنده ای است.

با همین دو آیه اول خیلی چیزها را می‌توان فهمید:

آن چیزی که به خسران انسان مربوط است، بحث عصر و عصاره است یعنی به واسطه عصاره گیری است که برای انسان خسران رقم می‌خورد که انسان موفق می‌شود که آن عصاره را بگیرد یا نه. یک پرتقالی به من می‌دهند تا

در یک زمانی آب آنرا بگیریم، بعداً این پرتقال را می‌اندازند دور. اگر بتوانم یک لیوان آب پرتقال بگیرم، باقی‌اش دور ریخته شد اشکال ندارد، ولی اگر نتوانم آب پرتقال بگیرم، به عنوان تفاله از دست من رفته.

چگونه از این خسران می‌شود در آمد؟ به واسطه شرایطی که در آیات بعد می‌گوید.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

کلا همه انسان‌ها در خسران هستند مگر اینکه چهار ویژگی داشته باشند:

ایمان

عمل صالح

تواصی به حق

تواصی به صبر

به نظر می‌رسد هر یک از ۴ ویژگی هم نسبت به همدیگر عصاره یکدیگر هستند.

کسانی که ایمان می‌آورند، کسانی هستند که امن‌سازی می‌کنند، امنیت ایجاد می‌کنند. من وقتی به چیزی علم دارم یعنی آن را می‌دانم ولی وقتی آن را امن‌سازی می‌کنم یعنی خاطر من به آن جمع می‌شود، از آن امنیت پیدا می‌کنم. بعد این امنیت را می‌توانم با ارتباط‌های اجتماعی که با دیگران قرار می‌کنم، برای دیگران هم ایجاد کنم. برای همین به دوره چهارم رشد می‌گویید، دوره ایمان. ایمان آوردن یعنی باورهای حقی وجود دارد که انسان‌ها به وسیله آن باورها توانستند امنیت ایجاد کنند برای خود و دیگران. در سوره قریش گفتم که نیاز به غذا و امنیت جز نیازهای اولیه انسان است. نیاز به امنی را فقط خدا می‌تواند ایجاد کند.

وقتی کسی ایمان می‌آورد و امنیت ایجاد می‌کند این ایمان و امنیت در واقع ایمان بالله است؛ یعنی به واسطه خدا و همه اسبابی که قرار داده مانند ملائکه و کتاب و... امنیت ایجاد می‌کند. چون می‌داند خدا هست و دستوراتی دارد، با عمل به آن دستورات، برای خود و دیگران امنیت ایجاد می‌کند. چون می‌داند که خدا ارحم‌الرحمین است،

عادل است، علیم است و قادر هست، به این واسطه برای دیگران امنیت ایجاد می‌کند.

در واقع این فرد ایمان دارد، در وجودش یک باور قابل اتکا هست. این انسان از خسران نجات پیدا می‌کند.

عصاره این ایمان می‌شود عمل صالح؛ انسان به واسطه این ایمان به دنبال اعمال فاسد نیست؛ کارهایی که انجام می‌دهد اصلاح کننده است. وقتی ایمان داشته باشد، کارهایی که خدا می‌گوید را حتما انجام می‌دهد، اگر خدا می‌گوید به کاری امر کند، به آن امر می‌کند و اگر می‌گوید از کاری نهی کنید، حتما از آن کار نهی می‌کند. در واقع انجام عمل صالح عصاره ایمان است. کسی که اهل عمل صالح باشد و جلوی فساد و تباهی را بگیرد، عصاره این اعمال صالح، توأسی به حق است؛ عصاره کاری که می‌کند انگار دارد جریانی از حق در جامعه ایجاد می‌کند. سعی می‌کند آن حقایقی را که به آن باور داشت و برای خود و دیگران امنیت ایجاد می‌کرد، را در جامعه جاری کند. خودش را هم برتر از دیگران نمی‌داند چون به خدا باور دارد. می‌داند خدا از همه بالاتر است و انسان‌ها ضعیف هستند، برای همین توصیه دیگران به حق را هم می‌پذیرد و به آن عمل می‌کند؛ می‌داند که خدا وسائط مختلفی را دارد که حق را به او معرفی کند، برای همین دنبال کسی هست که حق را به او توصیه کند. می‌داند وقتی حق را دریافت کرد باید به دیگران هم منتقل بکند. رابطه اش با دیگران اینگونه است که به حق سفارش می‌کند و سفارش به حق را نیز از آنها دریافت می‌کند. عصاره عمل صالح، این است که هرکس حق را به من نشان داد، می‌پذیرم. سبک زندگی‌اش عمل به حق، دریافت و پذیرش حق و سفارش کردن دیگران به حق است.

کسی که ایمان دارد یعنی حقایق زندگی را باور دارد. یقین در قرآن اشاره به حقایقی می‌کند که در دسترس انسان است. این که خدا هست، حقیقتی هست که یقین است. انسانها بهانه می‌آورند که می‌گویند ثابت کنید خدا هست. اینکه بعد از مرگ زندگی دیگری هست، معاد و بازگشتی هست، یقین است. خدا این حقایق را طوری قرار داده که این حقایق برایش قابل پذیرش هست. وقتی به حقایق یکدیگر را توصیه می‌کنیم، حواسمان را به حقایق جلب می‌کنیم. نکته‌ای که مهم است که این توصیه به حقایق باید جریان داشته باشد و تا آخر ادامه پیدا کند. ما در سوره حمد می‌خواهیم که خدا ما را به صراط مستقیم هدایت کند. صراطی که در ما استقامت ایجاد می‌کند. راهی



که آدم بایستد، قیام کند و خسته نشود. نیاز به صبر است. یکی از مهمترین باورها همین

است که آدمها باید ادامه دهند، باور به حقایق را ادامه دهند و عملکردهای آنها را حفظ کنند.

و جریان ایجاد کند و قطع نشود؛ انسان قیام کند، خسته نشود و از پا نیشند؛ انسانها باید این مسیر حق را ادامه دهند؛ یعنی تواصی به صبر داشته باشند و یکدیگر را به صبر داشتن و ادامه راه حق توصیه کنند.

در روز وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها به این فکر می‌کردم که پیامبر ص در چه شرایط سختی بودند و فشار زیادی را تحمل می‌کردند، کل خانواده‌شان چه آنها که مسلمان شده بودند و چه نشده بودند را در تنگنا قرار دادند، در شعب ابی طالب می‌روند و مدتی آنجا زندگی کردند. دو شخصیت در آن شرایط وجود داشتند که به نظر می‌آید کل اسلام و جریان اسلام را حفظ کرده‌اند، یکی جناب ابوطالب و یکی حضرت خدیجه سلام الله علیها. حضرت ابوطالب ذی نفوذ بوده و نمی‌توانستند به او خیلی فشار وارد کنند و حضرت خدیجه هم از تجار معروف بوده‌اند و مالشان را در راه اسلام خرج کردند. این دو شخصیت خیلی تاثیرگذار بودند. خداوند در شعب ابوطالب این دو بزرگوار را از دنیا می‌برد، انگار اسلام به هیچ چیز جز خدا وابسته نیست. این دو بزرگوار می‌روند و اسلام هم باقی می‌ماند ولی ببینید چه حزن و اندوهی باقی می‌ماند برای پیامبر و مسلمانها و با تواصی به صبر این جریان ادامه پیدا می‌کند. جایی که انسان گمانش را نمی‌برد خدا راهی را باز می‌کند و کار را جلو می‌برد.

در سوره قسم خورده که انسان در خسران است و بی خود نباید سعی کند که با کارهای الکی از خسران نجات پیدا کند. با ایمان به حقایقی می‌تواند جلوی خسران را بگیرد که نتیجه‌اش عمل صالح باشد و باعث جریان سازی حقی شود که مهمترین موضوع در آن صبر باشد، کسی نبرد. به هم دیگر کمک کنند تا استقامت کنند، خودشان به هم فشار وارد نکنند. با مهربانی به همدیگر کمک کنیم که سختی‌ها را تحمل کنیم چون هدف بزرگی را دنبال می‌کنیم. عصاره گیری باید بکنیم. این عصاره ظهور حضرت حجت می‌تواند باشد، می‌تواند بهشت باشد که براساس آیات قرآن انشالله روبرو هم می‌نشینیم و با هم خوش و بش می‌کنیم در فضایی که حزن و اندوهی وجود ندارد. همه مومنین در کنار هم حقایق عالم و حقایق بهشتی را دریافت می‌کنند و از لذت‌های بی انتهای بهشتی بهره‌مند می‌شوند. برای اینکه عده بیشتری از رضوان خدا بهره‌مند شوند، برای اینکه دین حقی که خدا وعده‌اش را داده،

تحقق پیدا کند، باید این فشار و سختی را تحمل کنند و این فقط با ایمان و عمل صالح و توأسی به حق و صبر اتفاق می‌افتد.

## سوالات

**سوال:** می‌توان گفت عصر یعنی عمر انسان؟

بله ولی عمر انسان به این معنا که عرض کردم. دورانی که به واسطه تحمل فشاری، عصاره‌ای بدست می‌آید. به این معنا می‌شود گفت ولی نه به معنای طول عمر انسان نه. مدت یعنی کشیدگی. یوم یعنی روز، بستری.

**سوال:** در عصر هر روز ما باید نتیجه اعمال اون روز رو ببینیم وگرنه ضرر کردیم؟

می‌توانید به کتاب شکوفایی امت مراجعه کنید ولی به طور کلی عصر زمانی است که انسان باید نتیجه کارها را ببیند. حالا نه به این معنا که چیزی را ببیند. به هر حال در طول روز اقداماتی انجام می‌دهیم، عصر زمان جمع بندی آن اقدامات است. اینکه حواسم باشد امروز تمام شد، چه چیزهایی بدست آوردم چه چیزهایی از دست دادم، با مغرب نمازم را بخوانم و شبانه روز دیگری را آغاز کنم. حواسم باشد که عصر اتمام روز است و اگر کار عقب مانده ای هست که میتواند جبران کند و اگر همان موقع نمی‌تواند جبران کند در زمان مغرب و عشا برنامه ریزی کند و فردا جبران کند.

**سوال:** آیا این عصاره که به واسطه فشاری هست حتما خوب و مفید است یا نه ممکنه عصاره مفید نباشد؟ یعنی فشاری رو شما تحمل کنید اما عصاره خوبی نداشته باشد.

ممکن است که فشاری را تحمل کنید ولی نتیجه خوبی در نیاید، این یعنی فشار اشتباهی بوده ولی به نظرم عصاره کلمه منفی نیست. عصر مربوط به فشاری هست که عصاره می‌دهد. عصاره خوب و بد که ندارد. هر چیزی را که فشار می‌دهید همان در می‌آید. بادام را فشار می‌دهیم، آب بادام در می‌آید. عصاره خودش مثبت و منفی ندارد

یعنی اصل یک چیزی. بستگی دارد این فشار را به چی چه مقدار بدهی تا چی دربیاید.

اگر چیزی که به انسان فشار می‌آید درست باشد و درست تحمل کرده باشد، نتیجه درستی بدست می‌آید. آدم باید براساس حق فشارها را تحمل کند تا نتیجه مثبت بدهد.

**سوال:** معنای صبر چیست و فرق آن با استقامت چیست؟

در صبر بیشتر بحث استمرار در آن موضوعیت دارد یعنی ادامه دادن، استقامت به معنای ایستاده ماندن و ننشستن. استقامت ناظر به قیام و روی پا بودن است. بهم نزدیک هستند.

**سوال:** راهکاری برای تقویت عمل صالح و صبر بفرمایید.

براساس چیزی که سوره مطرح می‌کند، ایمان است. باید از آگاهی دادن، علم خیلی دقیق روشن. هر چه علم انسان نسبت به حقایق، تفصیل پیدا کند، عملش ارتقا پیدا می‌کند و صبرش زیاد می‌شود که به آن عزم می‌گویند. راهکارش تفصیل علم است. یعنی آدم بیشتر و بیشتر و دقیقتر و دقیقتر بداند. مثلاً من می‌دانم نوشابه برای معده‌ام ضرر دارد ولی علم من به یک جایی می‌رسد که اصلاً نمی‌توانم اینکار را بکنم مثلاً ببینم که این ذرات نوشابه چگونه به دیواره سلولهای معده من را آسیب می‌زند و این برایم عینی شود، دیگر نمی‌توانم بخورم. علم تفصیلی در انسان عزم ایجاد می‌کند. برای تفصیلی شدن علم، عمل نیاز است. هر چیز که می‌دانم باید براساس آن عمل کنم. علم مستقیم بالا نمی‌رود، علم چرخه ای بالا می‌رود یعنی مدلس اینطوری هست که من چیزی را می‌دانم که بهش عمل می‌کنم بعد بیشتر می‌فهمم، عمل می‌کنم و... وقتی به اندازه کافی تفصیلی علم پیدا کند، عمیق‌تر و دقیق‌تر بفهمد در این صورت علمش به عزم تبدیل می‌شود و عمل صالح را دائماً انجام می‌دهد. آدم هر کاری می‌داند درست است را بکند و هر کار می‌داند اشتباه است را انجام دهد. اگر همه کارها را نمی‌تواند، آن مقدار که می‌تواند را عمل کند. با عمل، علم توسعه پیدا می‌کند. به یک حدی که توسعه پیدا کرد، عزم ایجاد می‌شود و از آن به بعد هر کار که اراده کند انجام بدهد، انجام می‌دهد.

**سوال:** در مورد فشارهای زندگی بیشتر توضیح بدهید. منظور همان مواردی هست که

ذیل انواع صبر میاید؟

زندگی به طور کلی سختی دارد. بعداً سوره انشراح و بلد و.. می خوانیم. در این سوره‌ها مطرح می‌شود که زندگی با سختی همراه است. روایتی از پیامبر (ص) داریم که راحتی در زندگی دنیا خلق نشده است. راحتی به معنای اینکه اصلاً آب در دل آدم تکان نخورد. این مال بهشت است. گول فیلم‌ها را نخوریم که می‌خواهند راحتی را نشان دهند. اگر کسی واقعا در راحتی باشد و در هیچ جا بهش فشار نیاید یعنی ولش کردند، دارد سقوط می‌کند. آدم باید این را بپذیرد و دنبال راحتی مطلق نگردد، این دانستن خودش به تحمل کردن کمک می‌کند. بداند این سختی‌هایی که قرار است متحمل شود، مثل جوجه ای که می‌خواهد از تخم بیرون بیاید و فشاری باید تحمل کند، سختی‌های نتیجه بخش تحمل کند. بی خود مشقت به دیوار نکوبد، جایی را می‌خواهد فشار بدهد، جایی را بدهد که بداند در ب هست و با فشار باز می‌شود.

آدم این سختی‌ها را در جای درستی ببرد. اگر آدم این نگاه را داشته باشد، یک خاصیتش این می‌شود که دیگر دنبال کار آسانتر نمی‌رود. چون معلوم نیست که بعداً به یک سختی بدتری دچار نشود. بالاخره دنیا سختی دارد، آدم انتخابش برود روی کارهای مفید تر و نتیجه بخش تر. به نتیجه نگاه کنم نه به سختی و آسانی. یک اتفاقی که در بچه‌ها افتاده این است که می‌پرسی چرا این کار را نمی‌کنی؟ می‌گویند چون سخت است. سخت بودن دلیل نمی‌شود. باید برای انجام ندادن کار، دلیل و حجت داشته باشد. باید بداند اگر انجام بدهد نتیجه خوبی می‌دهد.

## اهداف تربیتی سوره

سوره مبارکه عصر، سوره‌ای برای درک حقیقت زندگی

## پایه اول

### توجه به وابستگی حیات هر موجود به شرایطی خاص

برای آموزش این سوره، بچه‌ها را با این مساله مواجه می‌کنیم که هر موجودی برای ادامه حیات خودش نیاز به شرایط خاصی دارد که فقط با همان شرایط زنده می‌ماند؛ مثلاً می‌گوییم ماهی زنده نیست مگر اینکه در آب باشد؛ یا موجودات زنده نمی‌مانند مگر اینکه اکسیژن به آنها برسد. از این مدل جملات که حرفِ اَلَّا بکار رفته است. جملاتی که حصر دارند و این حصر مربوط به حیاتشان هست. چون سوره عصر ساختار حصر دارد، در همین سطح با بچه‌های پایه اول کار می‌کنیم که بگوییم موجودات مختلف زنده نیستند مگر اینکه شرایطی را داشته باشند. به بچه‌ها می‌گوییم: سوره عصر به ما یاد می‌دهد که موجودی زنده نیست مگر اینکه شرایطش را داشته باشد.

## پایه دوم

### توجه به وابستگی زندگی انسان به انواع داشتن‌ها و نداشتن‌ها

اگر لازم است، مطلب کلاس اول هم به آن‌ها منتقل شود. در این پایه بچه‌ها باید با تفصیل آشنا شوند و تنوع را ببینند. در این پایه، حیات را روی حیات انسان و زندگی انسان متمرکز می‌کنیم و جنبه‌های مختلفی از زندگی انسان را در قالب حصر و اَلَّا به آنها نشان می‌دهیم. مثلاً اگر شرایطی وجود نداشته باشند، بخشی از حیات انسان از بین می‌رود؛ انسان نمی‌تواند کاری را انجام دهد مگر اینکه توانایی انجام فلان کار را داشته باشد؛ انسان نسبت به چیزی اشراف پیدا نمی‌کند مگر اینکه علم آن را داشته باشد. انواع داشتن‌ها مثل علم و سواد، قدرت، پول، استعداد، امکانات و ... و اثر آن در زندگی انسان را به آن‌ها نشان می‌دهیم.

به بچه‌ها می‌گوییم: سوره عصر به ما یاد می‌دهد که ما در زندگی خیلی اتفاق‌ها نمی‌افتد مگر اینکه لوازمش را داشته باشیم.

## پایه سوم

### شناخت باید و نباید داشتن هر نعمت و آشکار کردن اثرات آن

اگر اولین سال است که این سوره را می‌خوانند، باید مطالب پایه‌های قبل هم آموزش داده شود. در این پایه بچه‌ها باید با شرایطی مواجه شوند که کاری را در عمل انجام دهند و باید و نباید و احکام آن را بلد باشند. در این پایه باید یاد بگیرند هر داشتنی یک باید و نبایدی دارد؛ هر هستی، بایدی دارد؛ وقتی من دست دارم، وقتی زبان دارم، پدر و مادر دارم و ... باید کارهایی متناسب با آن داشته‌ها انجام دهم. باید به بچه‌های پایه سوم، باید و نباید داشته‌هایشان را نشان می‌دهیم و آنها را سوق می‌دهیم تا داشته‌ها و نعمت‌هایی که دارند را درست و متناسب با کارکردشان استفاده کنند و به این ترتیب اثرشان را نشان دهند. مثلاً با کارهایی که با دست انجام می‌دهند، نشان بدهند که دست دارند و دست داشتن با دست نداشتن شان فرق دارد. با چیزهایی که می‌بینند، نشان دهند که چشم دارند و چشم داشتن و نداشتن شان با هم فرق دارد. به بچه‌ها می‌گوییم: سوره عصر به ما یاد می‌دهد که هر چیز که در زندگی داریم لازم است که معلوم بشود آنها را داریم و نتیجه آن آشکار شود.

## پایه چهارم

### شناخت باید و نبایدهای شرعی هر نعمت و عمل به آنها برای نجات از خسران

اگر اولین سال است که این سوره را می‌خوانند، باید مطالب پایه‌های قبل هم آموزش داده شود. و به طور مشخص در این پایه باید و نبایدهای استفاده از داشته‌هایشان باید برود به سمت باید و نبایدهای شرعی؛ مفهوم حق برای بچه‌های پایه چهارم دارد شکل می‌گیرد. کم کم می‌توان برای آنها مطرح کرد که یکسری باید و نبایدهای شرعی داریم مثلاً اینکه دست من حقی دارد که باید آن را رعایت کنم؛ و اگر این حق را رعایت نکنم و باید نبایدهای شرعی دارایی‌هایم را رعایت نکنم، نعمت‌هایم را از دست می‌دهم و دچار خسران می‌شوم.

آموزش سوره در این پایه در واقع: آموزش باید نبایدهای شرعی نعمتها و سوق دادن بچه‌ها به سمت رعایت این باید و نبایدها برای نجات پیدا کردن از خسران است.

## پایه پنجم

### شناخت حق و قوانین ثابت و درک ضرورت صبر برای عمل به آن

اگر اولین سال است که این سوره را می‌خوانند، باید مطالب پایه‌های قبل هم آموزش داده شود. برای این پایه تمرکز آموزش را می‌بریم روی شناخت مفهوم حق و صبر. این آموزش باید شکل عملی داشته باشد. در این پایه قوانین ثابت هستی را به عنوان حق به آنها یاد می‌دهیم؛ و به برکت سوره عصر به آنها یاد دهیم که برای اجرای این قوانین باید صبر داشته باشند تا بتوانند قوانین الهی را در زندگی شان به صورت مستمر جاری نمایند.

## پایه ششم

ایجاد زمینه شناخت قوانین الهی در محیط و مهربانی با دیگران به عنوان تواصی به حق و صبر اگر اولین سال است که این سوره را می‌خوانند، باید مطالب پایه‌های قبل هم آموزش داده شود، این آموزش را ادامه می‌دهیم تا سطح بچه‌ها اجازه می‌دهد. بچه‌ها را در این پایه به سمت تواصی به حق و صبر سوق می‌دهیم. تلاش کنند که در جامعه ای که دارند در آن زندگی می‌کنند مانند خانه، مدرسه، محله و ... حق و صبر را جاری کنند، به این صورت که بسترسازی کنند تا قوانین و احکام الهی و حقایق در محیط آنها منتشر شود، افراد با این حقایق آشنا شوند، آنها را بپذیرند و به آنها عمل کنند. برای تواصی به صبر، باید با دیگران مهربانی کنند و با این مهربانی به دیگران کمک کنند تا مسیرهای درست زندگی شان را ادامه دهند.

## سوالات

**سوال:** می‌شود از این سوره بحث سود را مطرح کرد؟

از این سوره، بحث سود را که مطرح می‌کنیم منتها سودی که مطرح هست یک نفع مقابل ضرر نیست، مقابل خسران است، از جنس حیات است به همین خاطر سودی که مطرح می‌کنیم، زندگی است. اگر سودهای دم دستی را بخواهیم بگوییم، سطح سود را پایین آورده‌ایم. مقابل خسران، هر سود و هر نفعی نیست. خسران به معنی از دست رفتن همه زندگی انسان است. مقابلش، همه امکانات زندگی مثل حیات هست.

**سوال:** برای پایه سوم و چهارم بیشتر مثال بزنید. برای پایه چهارم صرف این که بگوییم دین راجع به نعمت، باید و نباید گفته است کافی است؟

کافی بودنش بستگی به معلم و بچه‌ها دارد. پایه سوم و چهارم خیلی بهم شبیه هستند و ما در هدف آنها رفت و برگشت داشته باشیم. در پایه سوم اتفاقی که می‌افتد این است که بچه‌ها بدانند وقتی نعمتی را دارند با وقتی ندارند، فرق می‌کند. وقتی نعمتی را دارند باید از آن استفاده کنند و نشان دهند که آن نعمت را دارند. بیشتر از اینکه روی باید و نباید استفاده از نعمت برویم، نشان دادن خود نعمت داری مطرح هست. مثلاً یکی با دستش کسی را بزند، در واقع نشان نداده که این نعمت را دارد چون که خدا دست را برای زدن نیافریده است. باید و نبایدها اینجا مطرح می‌شوند و آلاً اصل مطلب در پایه سوم این است که نشان دهند یک نعمتی را دارند و عصاره این نعمت بروز پیدا کند و نشان داده شود.

ولی در پایه چهارم بحث خسران مطرح می‌شود یعنی اگر از نعمتی درست استفاده نکنند، آنرا از دست می‌دهند نه به این معنا که حالا دستشان قطع می‌شود یا آسیب می‌بینند. یعنی انگار که این دست را ندارند. این دست را به علتی به آنها داده اند، که اگر از این دست درست استفاده نکنند، انگار که ندارند و این خسران بزرگی هست. پس باید، باید و نباید چیزی را رعایت نکنند تا نتیجه آن بدست بیاید. در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام ۵۰ حق را مطرح شده که منبع مناسبی برای این پایه می‌باشد. این کتاب ضمیمه کتاب مهارت‌های چهارده ساله بودن



آمده. حق چشم، دست، پا، گوش، زبان، حق مادر، پدر، همسایه و ... مطرح شده است.

در پایه چهارم باید بدانند هر کدام از نعمتهایی که دارند، باید نبایدهایی دارد که با رعایت آنها، داشتن و نداشتن آن نعمت معنا می‌دهد.

**سوال:** اگر از نداشتن ها برای بچه ها بگیم ناراحت نمیشن مثلاً تو این وسیله رو نداری پس نمی‌تونی این کار رو انجام بدی.

اینوری را که نمی‌گوییم. می‌بریم روی اینکه داشتنت با نداشتنت فرق دارد و وقتی چیزی را داری درست از آن استفاده بکن و نشان بده که آنرا داری. اگر بحث نداشتن‌ها مطرح شد به صورت امیدوارکننده‌ای می‌گوییم هر کس هرچه ندارد، چیزهای دیگری را دارد که اگر از آنها درست استفاده کند چیزهایی که لازم دارد را بدست می‌آورد. دست می‌گذاریم روی باید نباید داشته‌هایشان.

**سوال:** نجات از خسران پایه چهارم را توضیح دهید.

عرض کردم، یعنی طوری رفتار کنند که آن نعمت را از دست ندهند، مثلاً اگر از چشمم درست استفاده نکنم، انگار که چشم ندارم و نجات از خسران یعنی از چشمم طوری استفاده کنم که چشمم به دردم بخورد. فکر کنید وسیله‌ای دارم و آن را در کناری می‌گذارم و از آن استفاده نمی‌کنم، با اینکه آن وسیله را اصلاً نداشته باشم فرقی نمی‌کند.

**سوال:** دیدن نتیجه ی بزخی کارها برای بچه ها مخصوصاً احکام شرعی مثل حجاب و نماز و ... دیدنی نیست ویا در آینده ای دور دیده می‌شود چطور متوجه ضرر حاصل از رعایت نکردنشان کنیم؟

حقوقی که مطرح هست مشخصاً روی نعمت‌هاست. مثل سوره فیل است که خدا می‌گوید ایا ندیدی خداوند با اصحاب فیل چه کرد؟ ما بگوییم نه خیر ما ندیدیم خدا با اصحاب فیل چه کرد. خدا می‌گوید ببینید. شما ضررش

را به بچه‌ها نشان دهید. معلم می‌تواند با توضیحش این را برای بچه‌ها عینی کند و به

رویت شان در آورد. در بچه‌های دبستانی، معلم باید بتواند ضررها را به رویت آنها درآورد. اگر کسی با سوره‌های مبارکه جز سی آشنا باشد، یک چهارچوب ذهنی خوبی به معلم می‌دهد و قشنگ دست معلم می‌آید که چه چیزهایی برای چه سنی قابل مطرح کردن هست و چه چیزهایی نیست. منظومه جالبی از مطالبی که باید به بچه‌ها بگوید ایجاد می‌شود. به برکت این سوره، معلم می‌خواهد در پایه چهارم از سود کردن، از ضرر کردن و... برای بچه‌ها بگوید، چه بگوید. ما باید آسیب درست استفاده نکردن از یک نعمت را به رویت بچه‌ها در آوریم. نمی‌خواهد صبر کنیم تا بچه‌ها بزرگ شوند بعد آسیب بی‌حجابی شان را ببینند.

امام علی ع می‌فرمایند: صبح روشن است برای کسی که دو چشم دارد. اگر کسی چشم‌هایش بسته باشد که اصلاً روشنی صبح را نمی‌بیند. حقایق در عالم روشن است ولی برای کسی که چشم‌هایش باز باشد. ممکن است آدم‌ها بزرگ شوند و باز هم ضرر بی‌حجابی را ببینند. ما به عنوان معلم وظیفه داریم ضرر درست استفاده نکردن از نعمت‌ها را متناسب با سن بچه‌ها به آنها نشان دهیم.

یک بار معلمی سوره تکویر را برای بچه‌ها توضیح داده بود، در سوره تکویر بحث قیامت و زنده بگور کردن دختران مطرح شده است. مادر یکی از بچه‌ها به مدرسه آمده بود و گفته بود بچه من تا صبح جیغ می‌زد. نمی‌دانم این معلم چه نفسی داشته که اینطوری قیامت را آورده بوده جلوی چشم بچه‌ها!!! معلم باید بداند چه چیز را به که چگونه بگوید. وقتی می‌خواهیم از آسیب برای بچه‌ها بگوییم، آسیبی را بگوییم که برای او هشدار دهنده باشد، زندگی آنها را تلخ نکند. اینها را باید بلد باشیم. به نظر می‌آید که اینها را سوره‌ها به ما یاد می‌دهند.

التماس دعا

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم